

شماره ۳ «دنیا»، نشریه تئوریک و سیاسی
کمیته مرکزی حزب توده ایران منتشر شد

در این شماره «دنیا» مقالاتی با عناوین زیر به چشم می خورد:

- ایران پس از انتخابات ۱۸ خرداد ۱۳۸۰
- در راه اعتلای جنبش کارگری
- مروری گذرا بر نقش جنبش دانشجویی در تحولات ایران
- یادی از رفیق سلیمان دانشیان
- نقش اجتناب ناپذیر اقتصادی سیاسی
- خنده و کمدی در جهان جباران
- درباره ویساریون گریگوریه بلینسکی
- معضل اعتیاد در «نظام نمونه جهان»
- چه گوارای کمونیست
- به یاد محمد علی افراشته، شاعر زحمتکشان
- داستان «کنار ریل»

کارگران همه کشورها متحد شوید!

دنیا

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳، تیر ۱۳۸۰
نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران

در این شماره:

درس های انتخابات خرداد ۱۳۸۰
در تلاش برای اعتلای جنبش کارگری
مروری گذرا بر نقش جنبش دانشجویی در تحولات ایران
یادی از رفیق سلیمان دانشیان
نقش اجتناب ناپذیر اقتصاد سیاسی
خنده و کمدی در جهان جباران
چه گوارای کمونیست
در باره ویساریون گریگوریه و بیلینسکی
معضل اعتیاد در «نظام نمونه جهان»
کنار ریل
ترجمه جدید شاهنامه به زبان زبانی
به یاد محمد علی افراشته، شاعر زحمتکشان
با همکاری: آز. کرامتی، نوید، تافونی و سارا

نامه مردم

اردکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۶۱۶، دوره هشتم
سال هجدهم، ۶ شهریور ۱۳۸۰

تنش های خطرناک در حوزه دریای خزر

با اقدامات تحریک آمیز جمهوری آذربایجان، حوزه دریای خزر بار دیگر شاهد تنش های بسیار خطرناک گردیده است. در تاریخ اول مرداد سال جاری، یک فروند ناوچه رزمی ایران یک کشتی اکتشافی متعلق به انحصار فراملی بی- پی آمکو بنام ژئوفیزیک ۳ را با اخطار خود از محدوده ۲۰ درصدی ایران در دریای خزر بیرون راند. به دنبال این اقدام، دولت حاکم بر باکو، سفیر جمهوری اسلامی در این کشور را به وزارت خارجه خود فراخوانده، مراتب اعتراض شدید این دولت را به ایران اعلام کرد. چند ساعت پیش از اقدام ناوچه مرزی ایران در دریای خزر، نیک براون سفیر انگلستان در تهران، دیدار مهمی را با حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی انجام داده بود و طی این دیدار صراحتاً یادآور شده بود: «نفوذ ایران در منطقه قفقاز برای ایجاد صلح و ثبات بسیار مهم است. لذا شرکت نفت انگلیس (بی- پی) در آب های مورد

ادامه در صفحه ۲

در این شماره

حکم جابرانه دستگاه قضایی بر ضد حقیقت جو ص ۲
تشدید فشارها بر جنبش دانشجویی ص ۳
نیروهای انتظامی و اقتدار و امنیت ص ۴
مکزیک، معاهده «فتا» و جهانی شدن ص ۸

ضرورت درنگ ناپذیر پیوند مبارزات صنفی با جنبش عمومی خلق بر ضد استبداد و پیوند نزدیک گردان های اجتماعی مدافع آزادی

- «امام سال ۵۸ حکم دادند که اعتصاب حرام است» ما از فقه ها در قم در این باره نظر خواستیم. «پس از یک سال جزوه بی به ما دادند که نظراتشان در آن آمده است ولی از ما خواستند آنرا منتشر نکنیم!»
- همواره سازمان هایی درست کرده ایم برای سرکوب اعتصاب
- «تا زمانی که اعتصاب قانونی نشود امکان احقاق حقوق کارگران وجود نخواهد داشت و اگر دیر در این باره اقدام شود ممکن است روند مطالبات این جنبش به مسایلی منتهی بشود که هرگز کسی از آن خوشحال نمی شود»
- پس از برگزاری سمینار بررسی وضعیت «جنبش کارگری» توسط انجمن دانشجویان دانشگاه صنعتی امیر کبیر این دانشگاه مورد یورش نیروهای ارتجاعی قرار گرفت
- روز نامه رسالت: باید جنبش های اجتماعی را سیاست زدایی کرد

و دیگر زحمتکشان به موضوع قانونی شدن حق اعتصاب کارگران پرداخت و در این باره گفت: «قوانین ایران تا امروز هرگز نسبت به اعتصابات جنبه حمایتی نداشته، اگر هم در ۱۳۳۷ یا ۱۳۶۹ قانون نوشتیم و حدودی برای اعتصاب تعیین کردیم، از اعتصاب حمایت نکردیم و نگفته ایم اعتصابی را نمی توان اخراج کرد و نمی شود با او برخورد کرد، بلکه همواره سازمان هایی را درست کرده ایم برای سرکوب. اعتصابات همواره سرکوب شده اند.» محبوب در اشاره به مخالفت شورای نگهبان در سال های ۶۰ با تشکیل اتحادیه شوراها ادامه داد: «امروز جنبش کارگری با زمانی که شروع شد خیلی فرق می کند، امروز ما در شرایطی

ادامه در صفحه ۶

خبرگزاری ایستا، ۲۰ مرداد خبری را مخابره کرد که در آن آمده بود: «انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیر کبیر، میزگردی را با عنوان جنبش کارگری با حضور علیرضا محبوب (دبیر کل خانه کارگر)، پرویز بابایی (از فعالان سابق جنبش سندیکایی) و محمدرضا عاشوری (مدیر مسئول ماهنامه اندیشه جامعه) برگزار می کند. در این میزگرد که در روز یکشنبه ۲۱ مرداد برگزار شد، محبوب به عنوان یکی از سخنرانان مدعو اظهاراتی کرده که با توجه به نقش او در مهار جنبش کارگری و مقابله با خواست های کارگران قابل تعمق است. محبوب در این سخنرانی با اشاره به این موضوع که، موانعی برای برگزاری این جلسه ایجاد شده بود، با نگاهی گذرا به آنچه او خواسته تاریخ جنبش کارگری بنامد، در تشریح وضعیت مشکلات کارگران

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

ادامه تنش های خطرناک در دریای خزر ...

اختلاف ایران و جمهوری آذربایجان اقدام به فعالیت نخواهد کرد.» درست چند ساعت پس از این دیدار در شب دوشنبه ناوچه رزمی ایران، کشتی اکتشافی بی-پی-آموکو را از آب های ایران بیرون راند. نیک براون در دیدار با حسن روحانی همچنین تاکید کرده بود: «اهمیت ایران به عنوان مرکز ثقل اقتصادی و بازرگانی در منطقه برای انگلستان غیر قابل انکار است، به همین دلیل علاقمند هستیم که فعالیت بخش بازرگانی سفارت (انگلستان) را تقویت کنیم و در این رابطه خواستار کمک و همکاری بیشتر وزارت خارجه ایران هستیم.»

تنش در حوزه دریای خزر و سردی روابط تهران-باکو در زمانی به اوج خود می رسد که، اندکی پیش از آن حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی سفر پر اهمیتی را به قفقاز و دیدار از جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان انجام داده بود و اتفاقاً در باکو طی دیدارهای فشرده و بسیار مهم، یک تفاهم نامه امنیتی را نیز به امضاء رساند. روزنامه اطلاعات خبر امضاء توافق نامه امنیتی را چنین انعکاس داد: «عصر روز جمعه ۲۹ تیرماه، با حضور حیدر علی اف رئیس جمهور آذربایجان، دکتر حسن روحانی و مهدی اف دبیران شورای عالی امنیت دو کشور یک تفاهم نامه امنیتی امضاء کردند. مبارزه با تروریسم، مواد مخدر، جرایم سازمان یافته و مبادله اطلاعات بین ارگان های امنیتی دو کشور از مهم ترین مفاد این تفاهم نامه است.»

آنچه اکنون مورد اختلاف و مناقشه ایران و دولت باکو است منطقه نفتی البرز واقع در دریای خزر است که در اکتشافات اولیه بیش از ۳۵۰ میلیون تن نفت و ۴۰۰ میلیون متر مکعب گاز در آن وجود دارد که ارزش برآوردهای نخستین رقمی بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار را نشان می دهد. دولت باکو، بر خلاف اصول حسن همجواری و رعایت قوانین بین المللی در این منطقه به فعالیت مشغول شده است و قراردادهایی را با شرکت هایی نظیر بی-پی-آموکو، اکسون موبیل آمریکا به امضاء رسانده است. این قراردادها منافع ملی ایران را پایمال و منطقه نفتی البرز را خارج از محدوده ایران معرفی می سازد.

بی شک اقدام به موقع و سنجیده در راستای تامین منافع ملی در برابر تحریرات همسایگانی گستاخ چون دولت حاکم در باکو، امری به حق است، ولی مسأله اساسی مهم سمت گیری و اتخاذ سیاست های دراز مدت بر ضد گسترش نفوذ یابنده امپریالیسم در این منطقه و این سؤال است که آیا رژیم «ولایت فقیه» اصولاً چنین دیدگاهی را مد نظر دارد یا نه. ما بارها متذکر شده ایم که، حوادث و رخ دادهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و حوزه دریای خزر، تاثیر مستقیم بر آینده و سرنوشت ایران دارد. ایران باید دارای نقشی مستقیم و موثر در معادلات این منطقه داشته باشد. روزنامه انتخاب که به جناح ذوب در ولایت نزدیک است، در این رابطه در تاریخ ۲ مرداد ماه در سرمقاله خود می نویسد: «مسئولان دستگاه دیپلماسی و وزارت نفت جمهوری اسلامی باید به صورت هماهنگ و جدی فعالیت های اکتشاف و استخراج نفت و گاز دریای خزر را پیگیری کنند و همزمان با استفاده از مکانیزم منطقه یی و بین المللی به طرف های دیگر به ویژه جمهوری آذربایجان توجه کنند که هرگونه عملیات نفتی در حوزه ۲۰ درصدی ایران رسمیت ندارد.» در اینکه ایران باید از مکانیزم های منطقه یی و بین المللی برای تامین منافع ملی ایران استفاده کند، جای هیچ شک و شبهه نیست و نمی تواند باشد، اما در این زمینه باید با هوشیاری به شکلی عمل کرد که نتیجه بسود حقوق حقه مردم میهن ما باشد. امپریالیسم از ایجاد تنش و اختلاف در حوزه دریای خزر سود می برد. ایجاد اختلاف میان کشورهای منطقه، سیاست شناخته شده امپریالیسم در نقاط گوناگون جهان از جمله خلیج فارس و دریای خزر است باید با تدبیر، و به دور از تنش و تحریک، مسایل منطقه را با در نظر گرفتن منافع و مصالح کشورهای کرانه ساحلی دریای خزر که از مهمترین مناطق استراتژیک جهان است، حل کرد.

مصباح یزدی، خزعلی، زوال سکولاریسم و ادعاهای متناقض و مضحک!

دیکتاتورها، تاریک اندیشان و حاکمان ظالم برای اینکه در مقاطع گوناگون بتوانند از فروریختن دستگاه حاکمه خویش جلوگیری کنند، چاره یی جز توسل به دروغ، نیرنگ، ریا، تزویر و سرکوب ندارند. این ترفندها بخصوص در مواقعی افزایش می یابد که این نوع حکومت ها با بحران متعدد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مواجه می شوند. اما چنین شیوه یی در رژیم ولایت فقیه به صورتی درآمده که در واقع امر حالت کمیدی پیدا کرده است. هفته گذشته ایرنا، اول شهریور در خبری، از قول خزعلی، عضو سابق شورای نگهبان نوشت: «امروزه سکولاریسم در دنیا در حال فراموشی است و این دین است که جای آن را می گیرد.» وی با اشاره به کتاب یکی از جامعه شناسان آمریکایی در باره سکولاریسم گفت: «در کتاب این جامعه شناس سرشناس آمده که ترویج دین گرایی نه به دلیل ترویج آخوندهای ایرانی، بلکه به دلیل ناکارآمد شدن اساتید و تصمیم گیرندگان غرب است. دین گرایی در دنیا در حال گسترش است و حتی در خود آمریکا هم دین هر روز طرفداران بیشتری را به خود جلب می کند.» سخنان خزعلی در حالی بیان می شود که مصباح یزدی در نماز جمعه تهران طی سخنانی گفت: «بسیاری از کشورها مجازات اعدام را حذف و به جای آن زندان را جایگزین کرده اند و این فرهنگ عمومی جهان است. اگر بگویم ۹۹ درصد از تحصیل کرده های کشور بخصوص در دانشگاه های خارجی این نظر را دارند، سخنی به گزاف نگفته ام و آنان ته دلشان راضی به اجرای احکام اسلامی نمی شوند.» (نوروز، شنبه ۳ شهریور) با توجه به این امر که مصباح یزدی و خزعلی جایگاه ویژه یی در مقام سخنگویان «اسلام رژیم ولایتی» داشته و دارند این تناقض گویی ها را برای پیروان خود چگونه توجیه می کنند. باید منتظر نشست و دید قوه قضاییه رژیم ولایت فقیه در باره این مورد که از مصادیق بارز «تشویش اذهان عمومی» است چه اقدامی را به مورد اجرا خواهد گذاشت!

حکم جابرانه دستگاه قضایی بر ضد حقیقت جو

هفته گذشته بیدگاه قضایی رژیم «ولایت فقیه»، فاطمه حقیقت جو، نماینده منتخب مردم از تهران را بدلیل توهین به «مبانی اسلام، توهین به شورای نگهبان» و جرم های واهی دیگر از همین دست به «۲۲ ماه حبس تعزیری» محکوم کرد. این حرکت دستگاه قضایی از مجموعه حرکاتی است که در هفته های اخیر بر ضد نمایندگان مجلس که «پا را از گلیم فراتر» گذاشته اند آغاز کرده است و هدفی جز ایجاد جو رعب و وحشت در میان نمایندگان و بستن دهان آنان ندارد. فاطمه راکعی، «رئیس فراکسیون زنان در مجلس» با اشاره به این حکم جابرانه گفت که نمی توان به آسانی از کنار حکم حبس حقیقت جو گذشت. به گزارش روزنامه «نوروز»، دوشنبه ۴ شهریور ۱۳۸۰، راکعی از جمله گفت: «اگر بخواهیم از جزئیات حکم صادره و نحوه محاکمه متهم بگذریم که مسأله اصلی ما نیست، زیرا اگر بود حرف های زیادی به عنوان نمایندگان حاضر در جلسه دادگاه در زمینه عدم رعایت فرهنگ قضاوت اسلامی در آن دادگاه داشتیم... چگونه است بعضی ها در قوه قضاییه به خود اجازه می دهند که علی رغم اصل روشن و بدیهی قانون اساسی دال بر مصونیت نمایندگان مردم در شرایطی که افراد جناح مقابل بزرگ ترین افتراها، توهین ها و نشر اکاذیب را در مورد جناح اصلاحات، عموم اصلاح طلبان و حتی شخص رئیس جمهوری به کار می برند و کسی دم بر نمی آورد، اما در مورد سخنان از سر درد یک نماینده در مقام ایفای وظایف نمایندگی روی واژه یا عبارتی ذره بین می گذارند و مطلب را

ادامه حکم جابرانه قوه قضائیه ...

اگر اندیسمان کنند و علیه او اقامه دعوی کنند». مسأله یورش قوه قضائیه به مجلس روشن تر از آنست که نیازمند توضیح باشد. دستگاه سرکوب رژیم «ولایت فقیه» مایل است تا هر صدای افشاگر و دگراندیشی را با اتکاء به حربه «قانون» سرکوب کند. در مقابل این اعمال باید با جسارت و هماهنگی ایستادگی کرد.

تشدید فشارها بر جنبش دانشجویی

«اگر فشارها بر جریان دانشجویی به گونه ای باشد که هزینه یک انتقاد گذراندن ماهها و چه بسا سالها زندان شود، آنگاه اصلاح ناپذیر بودن سیستم و حاکمان ثابت می شود...» - اکبر عطری عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت

چند هفته گذشته بحث در باره جنبش دانشجویی و نحوه رفتار با دانشجویان در ادامه روند تحولات سیاسی میهن مان همچنان با حساسیت پی گیری می شود. از یک طرف سلسله دستگیری ها و بازداشت فعالان دانشجویی ادامه دارد و از طرف دیگر راه کارهای ارائه شده به دانشجویان نگرانی های جدی را برای هواداران واقعی اصلاحات به وجود آورده است. خبرگزاری ایسنا، در روز ۱۴ مرداد در گزارشی، اظهارات موسوی خوئینی، تاجرنیا و یوسفیان را که سابقه ارتباط با تشکل های دانشجویی مجاز را داشته اند به چاپ رسانده که مربوط به دستگیری های اخیر دانشجویان می باشد. اما نکات مهم دیگری را هم در این گزارش می توان پیدا کرد. به عقیده موسوی خوئینی، با دستگیری تعدادی از اعضای انجمن های اسلامی دانشگاه های امیر کبیر و خواجه نصیر طوسی، مرحله جدید برخورد با جنبش دانشجویی آغاز شده است. تاجرنیا با اشاره به اینکه این نوع برخوردها نوعی انتقام جویی از جنبش دانشجویی است اظهار داشت که، هدف ایجاد افعال در دفتر تحکیم وحدت نیز است. وی به اختلاف نظرهایی در جنبش دانشجویی اشاره داشت و گفت: «متأسفانه بعضی رفتارها و حرکتهایی ممکن است در بدنه جنبش دانشجویی شکل بگیرد و برخی اختلاف نظرهای طبیعی زمینه بروز چنین مسایلی را در جنبش دانشجویی فراهم کرده است.» وی اضافه کرد: «همزمانی برخوردهای اخیر با مجموعه مسایل که در کشور ایجاد می شود، شاید این احساس را در جنبش دانشجویی به وجود بیاورد که بخش حاکمیت جنبش دوم خرداد به آنها توجه ندارد و این امر نوعی دوری جنبش دانشجویی را از بدنه دوم خرداد و مجموعه های وابسته به حاکمیت خود ایجاد کند.»

حوادث چند ساله اخیر میهنمان نشان داد که دانشجویان از مقاوم ترین و پیگیر تر نیروهای مدافع جنبش اصلاحات هستند. تمام کوشش های به عمل آمده بر ضد این جنبش چه در غالب دستگیری و بازداشت و چه در غالب واداشتن آنها به تبعیت از سیاست های مخرب گذشته کارآیی خود را اندک اندک از دست می دهد. این مسأله با اینکه نوید خوبی برای جنبش دانشجویی و جنبش اصلاحات در کل است. آینده تحولات میهنمان بستگی شدید به رشد و گسترش جنبش دانشجویی دارد و پیوند این جنبش با گردان های دیگر اجتماعی، خصوصاً طبقه کارگر و زحمتکشانش دارد. همین نکته اساسی نقش نیروهای انقلابی و طرفدار واقعی اصلاحات را در یاری رساندن و حمایت از جنبش دانشجویی دو چندان می کند.

به استقبال شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

وقایع نگاری
یک سده
جنبش کارگری
و کمونیستی
ایران

۱۰ دی ۱۳۲۵ - اعدام جمعی افسران در تبریز. اینها افسران عضو حزب توده ایران بودند که به جنبش دموکراتیک آذربایجان پیوستند و پس از شکست جنبش بدست حکومت شاه گرفتار و تیرباران شدند. تعداد این افسران ۳۳ نفر بود. از آن جمله اند: سرهنگ عظیمی، سرهنگ مرتضوی، سرگرد الهی، سرگرد جودت، سرگرد جعفر سلطانی، سرگرد حبشی، سرگرد قاسمی، سروان دبیرنیا، سروان سغائی، ستوان سنائی، سروان غفاریان، و ستوان کیانی.

۱۵ دی ۱۳۲۵ - هیئت اجرائیه موقت حزب تصمیم گرفت روزنامه «مردم» را به جای «رهبر» به عنوان ارگان مرکزی حزب منتشر کند.

۱۰ فروردین ۱۳۲۶ - روز شهادت قهرمانانه رهبران جنبش خلق کردستان، قاضی محمد، صدر قاضی و محمد حسین سیف قاضی. جنبش کردستان خواهان تأمین حقوق دموکراتیک خلق کرد در کنار سایر خلق های ایران بود. جنبش کردستان در شرایطی که موج ترور سراسر کشور را فر گرفته بود سرکوب شد و رهبران آن به دستور شاه اعدام شدند. نام ارجمند شهدای نهضت کردستان پیوسته الهام بخش آزادی خواهان و میهن دوستان ایرانی خواهد بود.

اول خرداد ۱۳۲۶ - در این روز جلادان شاه، رفیق فریدون ابراهیمی، عضو حزب توده ایران و یکی از رهبران جنبش دموکراتیک آذربایجان را در تبریز به دار آویختند.

۱۱ تیر ۱۳۲۶ - تشکیل سومین کنفرانس ایالتی حزب در تهران.

۲۰ تیرماه ۱۳۲۶ - درگذشت شادروان میر جعفر پیشه وری یکی از رهبران جنبش دموکراتیک آذربایجان و حزب کمونیست ایران

۱۳ مرداد ۱۳۲۶ - امضای قرار داد نظامی بین ایران و آمریکا. این قرار داد به یک هیئت نظامی شامل افسران آمریکایی اجازه می داد که در امور نظامی ایران دخالت کنند و تمام اسرار و اطلاعاتی را که برای اجرای «مأموریت» خود ضروری بدانند از نیروهای نظامی ایران دریافت کنند. این قرار داد با مخالفت شدید حزب توده ایران و نیروهای ملی روبه رو شد.

۱۳ دی ۱۳۲۶ - گروه خلیل ملکی از حزب توده ایران انشعاب کرد.

سال ۱۳۲۶ - تشکیل نخستین کنگره سازمان جوانان توده ایران.

فروردین ۱۳۲۷ - اقدام حزب برای جمع آوری نیروهای مترقی و مبارزه مشترک بر ضد دیکتاتوری با تشکیل جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری به ثمر نشست. در مدت کمی ۴۷ روزنامه به عضویت این جبهه درآمدند.

اردیبهشت ۱۳۲۷ - تشکیل دومین کنگره حزب توده ایران. در این کنگره ۱۱۸ نماینده از کلیه سازمان های حزبی بجز آذربایجان و کردستان شرکت داشتند. در اساسنامه و برنامه حزب تغییراتی به عمل آمد که از جمله افزایش تعداد اعضای کمیته مرکزی بود. کنگره ۱۹ نفر را برای عضویت اصلی و ۱۶ نفر را برای عضویت مشاور کمیته مرکزی انتخاب کرد.

ادامه در شماره بعدی «نامه مردم»

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران

نیروهای انتظامی و «اقتدار و امنیت»

و رسالت در نتیجه گیری می نویسد: «برای ریشه کن کردن چنین پدیده های شومی که در حال ازدیاد است، در شرایط فعلی هیچ راه موثرتری از اجرای حدود و تعزیرات الهی وجود ندارد...» ضمن اشاره به این نکته که اصولاً مردم میهن ما و انسان های مترقی و آزادی خواه نمی توانند برداشت و درک معیوب و بیمارگونه مشتی مرتجع همچون نویسندگان رسالت، ارگان مافیای بازار را درباره ناهنجاری های اجتماعی و علل و ریشه های آن بپذیرند، باز این سؤال جدی مطرح است که چرا باید در «جامعه نمونه اسلامی» که حضرات این همه درباره آن تبلیغ می کنند، فساد تا حدی رشد کرده باشد که به تصریح رسالت «نیازی به توضیح و تبیین» ندارد. علت چیست؟ و اصولاً چرا این «ناهنجاری ها» طی بیش از دو دهه حاکمیت سیاه رژیم «ولایت فقیه» به آنچنان درجه بی از رشد رسیده است که خواب را از چشم سران مرتجع رژیم ولایت فقیه گرفته است؟

پاسخ این پرسش ها چهره واقعی رژیمی را عریان می سازد که عامل اصلی و بانی همه ناهنجاری ها و نابسامانی های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی در میهن ماست. در عکس العمل به حوادث روزهای اخیر، سخنان اخیر پاسدار «قالیباف»، فرمانده نیروی انتظامی، که نیات واقعی پشت حرکات اخیر را افشاء می کند، نیز حائز اهمیت است. قالیباف می گوید: «اجازه نمی دهیم که افرادی با سوء استفاده از آزادی یا با فراتر از قانون بگذارند و به حقوق جامعه تعرض کنند... وظیفه نیروهای انتظامی یک روز در میدان های جنگ و دفاع از انقلاب بود و اکنون نیز برقراری امنیت و دفاع از ارزش ها را به عهده دارد... همانگونه که مقام معظم رهبری فرمودند مردم ما خواستار مردم سالاری دینی هستند و نیروهای انتظامی خود را نگهبان این خواسته مردم می داند...»

نکته اساسی در حرف های قالیباف این است که نیروهای انتظامی مهم ترین وظیفه خود را «اجرای اوامر مقام معظم رهبری» می دانند و این اوامر نیز عمدتاً «دفاع از ارزش ها» است. البته دفاع از «ارزش ها» هم معنایی جز تشدید مزاحمت، فشار و آزار و اذیت شهروندان ندارد. اجرای هرچه بیشتر اعمال غیر انسانی به نام اجرای «احکام شرع» بار دیگر روشنگر خواست عمیقاً ارتجاعی و ضد مردمی حاکمان رژیم ولایت فقیه برای بردن ایران به سمت حکومتی از نوع حکومت جانوران حاکم بر افغانستان و حاکم کردن هر چه کامل تر قوانین قرون وسطایی بر حیات جامعه ماست.

همان طوری که قبلاً نیز اشاره کردیم مانور اخیر ارتجاع بخشی از نقشه گسترده «ذوب شدگان در ولایت» برای فضا سازی، ایجاد جو رعب و وحشت در جامعه، خصوصاً در میان جوانان و جلوگیری از رشد جنبش مردمی و پیوند خوردن مبارزه نیروهای اجتماعی مختلف، خصوصاً کارگران و زحمتکشان با جوانان، دانشجویان و زنان مبارز میهن ماست.

در برابر برنامه های ارتجاع راهی جز تشدید مبارزه و استفاده هوشیارانه از همه امکانات در راستای تأمین منافع جنبش مردمی وجود ندارد. حزب ما بار دیگر با تأکید بر لزوم اتحاد عمل همه نیروهای آزادی خواه و مدافع اصلاحات تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری را یگانه راه مطمئن مقابله با ترفندهای ارتجاع می داند. اگر تاریخ اندیشان حاکم موفق شوند با ایجاد رعب و وحشت و اضطراب همگانی مردم، به ویژه جوانان را سرخورده و مأیوس سازند، مرحله بعدی سرکوب کامل جنبش آغاز خواهد شد.

انتشار اطلاعیه بی از سوی روابط عمومی نیروهای انتظامی، در روزهای اخیر، در خصوص «جمع آوری هرگونه مظاهر آشکار و خلاف مقررات» واکنش های مختلفی را برانگیخت و به موضوعی جنجال برانگیز تبدیل شد.

روز جمعه ۲۶ مرداد ماه، نیروهای انتظامی به عنوان «ضابط قوه قضائیه» با صدور اعلامیه بی شدید الحن و تهدید آمیز که نمی توانست هدفی جز ایجاد رعب و وحشت در میان مردم داشته باشد، اعلام کرد که: «با هرگونه مظاهر خلاف شرع» برخورد جدی خواهد کرد. از جمله این مظاهر به اصطلاح خلاف که نیروی انتظامی به آن اشاره می کند عبارتند از: «تولید، توزیع و یا خرید و فروش هرگونه تابلوهای نقاشی، پخش موسیقی، عدم رعایت حجاب اسلامی، عدم رعایت شئون اسلامی و استفاده از مجسمه های مانکن در فروشگاه های لباس»!! در اطلاعیه همچنین قید شده است که: «مردم می توانند در صورت مشاهده هرگونه موارد خلاف مقررات در واحدهای صنفی و اماکن عمومی مراتب را به نزدیک ترین یگان انتظامی یا پلیس اطلاع دهند.»

اقدام نیروهای انتظامی رژیم، در اوضاع کنونی دور از انتظار و شگفتی آفرین نبود. صدور اعلامیه بی که در آن بدیهی ترین حقوق فردی و اجتماعی شهروندان مورد تهدید قرار می گیرد، در هماهنگی با سایر تعرضات قوه قضائیه، بر ضد جنبش مردمی، از جمله یورش به روزنامه های مدافع اصلاحات، دستگیری ده ها تن از دانشجویان مبارز و آزادی خواه، دستگیری و آزار و شکنجه ده ها تن از شخصیت های ملی - مذهبی، با هدف پاشیدن بذر یأس در جامعه به خصوص در میان جوانان و نا امید کردن آنان از آینده صورت می گیرد. واضح است که جنبه دیگر پیش گیری چنین سیاستی می تواند برنامه ریزی برای آماده کردن ذهنی و روانی جامعه برای اقدامات شدید تر و سرکوبگرانه تر بر ضد حقوق مردم باشد.

برنامه تشدید فشار بر شهروندان، خصوصاً نسل جوان، از ابتدای سال جاری، با رهنمودهای علی خامنه ای، ولی فقیه رژیم استبدادی، و هاشمی رفسنجانی، چهره رسوای ارتجاع، به نام سال «امنیت و اقتدار نظام» به عنوان یکی از تاکتیک های رژیم برای متوقف کردن روند اصلاحات و سرکوب تدریجی جنبش مردمی در دستور کار قرار گرفته است. نکته جالب در مورد حرکت اخیر نیروهای انتظامی این است که حرکت اخیر نیروهای انتظامی با دور زدن وزارت کشور و شورای تأمین استان صورت می گیرد. در اتباط با همین حرکت نیروهای انتظامی، موسوی لاری، وزیر کشور، صراحتاً یادآور شد که به او به طور شفاهی اطلاع داده شده است و او خواستار توضیح فرمانده نیروهای انتظامی است.

برای اینکه تصویر روشنی از مختصات این برنامه شوم ترسیم کنیم، توجه به موضع گیری مطبوعات و مسئولان جناح ذوب در ولایت حائز اهمیت فراوان است. روزنامه رسالت، در یکی از سرمقاله های خود، پس از صدور اطلاعیه نیروهای انتظامی، و در گرما گرم بحث و کشمکش میان قوه قضائیه و وزارت کشور پیرامون نحوه اجرای احکام شکنجه و تحقیر انسان، که زیر نام و به بهانه «اجرای احکام شرع» در ملاء عام صورت می گیرد، از جمله نوشت: «وضعیت ناپسند علنی شدن برخی فسادها و بزهکاری های اجتماعی و نابسامانی های اخلاقی نیاز به توضیح و تبیین ندارد... در مواجهه با ناهنجاری های اخلاقی تصمیماتی اتخاذ و اقداماتی از قبیل حد و حدود الهی به اجراء گذاشته شود تا جامعه متعادل و در مسیر رشد و تعالی و کمال انسانی قرار گیرد... در هفته های اخیر شاهد هستیم که عزم جدی تری در اجرای احکام خدا پدید آمده است...»

به یاد چهره های جنبش سندیکایی

رفیق عبدالوهاب سینادا درگذشت!

فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (WFTU) در بیانیه ای، به تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۸۰ (۳۰ ژوئیه ۲۰۰۱) خبر درگذشت رفیق عبدالوهاب سینادا، از رهبران جنبش کارگری سودان، و یکی از چهره های برجسته جنبش سندیکایی جهان را اعلام کرد.

رفیق سینادا رهبر سندیکاهای فدراسیون کارمندان حرفه ای و تکنسین های سودان بود. او پس از فارغ التحصیل شدن از دانشکده پزشکی دانشگاه خارطوم در سال ۱۹۵۸، مدتی کوتاه به عنوان پروفیسور علوم پزشکی در تانزانیا و برای سالها به عنوان دکتر متخصص اطفال در جمهوری دموکراتیک یمن به کار مشغول بود. او در سال ۱۹۸۶ به سودان بازگشت و به عنوان یک متخصص عالیرتبه در وزارت بهداشت مشغول به کار شد.

رفیق سینادا در سال ۱۹۴۹ به حزب کمونیست سودان پیوست و در مبارزه مردم سودان برای استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی شرکت فعال داشت. او یک سازمانگر برجسته و رهبر قدرتمند جنبش کارگری و مبارزه برای تحولات دموکراتیک بود.

رفیق سینادا فعالانه در جهت سازماندهی وسیع روشنفکران مترقی سودان و شرکت موثر آنان در مبارزات جنبش سندیکایی سودان اقدام کرد. پس از کودتای نظامی و به قدرت رسیدن «جبهه ملی اسلامی» در سودان در سال ۱۹۸۹، رفیق سینادا بطور همه جانبه بی در مبارزه برای اعاده آزادی های دموکراتیک شرکت کرد. او بویژه در جهت ارتقاء جنبش حقوق سندیکائی فعالیت می کرد.

در روزهای سیاه سرکوب در سودان، سینادا که در خارج از کشور بود، نقشی عمده در بسیج همبستگی بین المللی و مبارزه جنبش سندیکائی سودان ایفاء کرد. او همچنین نقش فوق العاده ای در متحد کردن همه مبارزات سندیکالیست های سودان در خارج از کشور ایفا کرد. و در فعالیتهای تحکیم سازمان حقوق بشر سودان نقش عمده ای داشت.

رفیق سینادا از نزدیک در جریان تحولات کشورمان بود و از ابتکارات جنبش همبستگی با مردم و زحماتشان ایران دفاع می کرد. او در جمع خانواده دوستان جهانی حزب توده ایران مکان برجسته ای داشت. یادش گرامی باد.

درگذشت یک رهبر سندیکایی!

جیمی نپ، رهبر مبارز و دبیرکل ترقی خواه اتحادیه کارگران راه آهن و صنعت حمل و نقل انگلستان، پس از مبارزه ای طولانی با سرطان، در مرداد ماه سال جاری، درگذشت. جیمی نپ از معدود بازماندگان نسلی از رهبران چپ اتحادیه های کارگری انگلیس بود که در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی در مبارزات مردم انگلیس نقش عمده ای را ایفا کردند.

جیمی نپ برای ۴۲ سال در سمت ها و مسئولیت های مختلف، مبارزات کارگران صنعت راه آهن را رهبری کرد. اتحادیه کارگران راه آهن انگلستان در طی نزدیک به دو دهه رهبری او، از گردان های اصلی مبارزه بر ضد خصوصی سازی و سیاست های محافظه کاران حاکم در انگلستان بود. در سال ۱۹۸۴ - در جریان اعتصاب تاریخی یکساله اتحادیه کارگران معدن بر ضد سیاست های ارتجاعی دولت مارگارت تاچر، اتحادیه کارگری راه آهن با خودداری از حمل و نقل ذغال سنگ وارداتی و از انبارها به نیروگاه ها عملاً در کنار معدنچیان اعتصابی قرار گرفت.

در مراسم یادبود باشکوهی که در لندن قبل از تشییع جنازه او برگزار شد بسیاری از شخصیت های عمده جنبش کارگری و همچنین رهبران سیاسی انگلستان شرکت کردند. تونی بن سیاستمدار معروف چپ انگلیس، جان پرسکات معاون نخست وزیر انگلستان (او در گذشته عضو اتحادیه ملوانان و کارگران کشتی بود)، جک استراو، وزیر خارجه و عده ای از نمایندگان پارلمانی حزب کارگر در مراسم شرکت داشتند.

جان مانکز، دبیرکل کنگره اتحادیه های کارگری انگلستان در سخنانی در مراسم یادبود گفت: «جیمی نپ یکی از رهبران بزرگ اتحادیه های کارگری نسل خود بود. او شخصیت ویژه ای داشت که با گذر زمان کهنه نمی شوند و برای هر نسلی مهم است. جیمی نپ انسانی فروتن، گرم و با سخاوت بود. در دنیای جیمی نپ، اصول هیچگاه فدا نمی شدند. کار و همکاری با جیمی نپ، برای همه ما تجربه بی گرانها و غنی بود.»

اتحادیه کارگران راه آهن به هنگام رهبری جیمی نپ به طور پیگیر از مبارزات مردم ایران بر ضد رژیم ولایت فقیه حمایت می کرد و به دفعات از ابتکارات همبستگی با مردم و زحماتشان ایران شرکت کرد.

«نامه مردم» در جشنواره

کمونیست

سخنرانی نماینده

حزب توده ایران در

جشنواره کمونیست

در روزهای ۱۸ و ۱۹ ماه اوت، به رسم همه ساله، جشنواره کمونیست، نشریه ارگان مرکزی حزب کمونیست دانمارک در شهر کپنهاگ برگزار شد. حضور گسترده جوانان و استقبال قابل توجه از برنامه های متنوع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری که طی جشنواره کمونیست های دانمارک تدارک دیده شده بود، به مراسم جلوه بی ویژه ای می بخشید. بخشی از برنامه این جشنواره آشنایی با احزاب برادر بود. احزاب میهمان، از جمله حزب توده ایران با برپایی غرفه به معرفی اصول و سیاست های خود در عرصه ملی و بین المللی پرداختند. در غرفه نامه مردم مطبوعات حزبی به دو زبان فارسی و دانمارکی، در ارتباط با مسایل ایران و جهان، مورد استقبال گرم بازدیدکنندگان قرار گرفت.

در روز ۱۹ اوت، برنامه بی درباره مسایل خاورمیانه در نظر گرفته شده بود که در آن نمایندگان حزب توده ایران، حزب مردم فلسطین، حزب کمونیست عراق و نماینده مجمع انترناسیونالیستی دانمارک به ایراد سخنرانی و تشریح مواضع خود پرداختند. نماینده حزب با توضیح مسایل منطقه و با تأکید بر همبستگی حزب توده ایران با مبارزات مردم فلسطین، حضور امپریالیسم در منطقه را عامل تشنج و درگیری معرفی کرد. نماینده حزب در ارتباط با مسایل داخلی با تأکید شرکت مردم در مبارزه بر ضد رژیم ولایت فقیه و توضیح شرکت مردم در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ که در واقع همه پرسی بی درباره عملکرد رژیم بود و «نه» دوباره مردم، مخالفت جدی و قاطعانه حزب را با سمت گیری های اقتصادی - اجتماعی رژیم و پیامدهای ناگوار آن را برای طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان به اطلاع شرکت کنندگان رساند.

جشنواره امسال کمونیست و استقبال از آن از سوی مردم و خصوصاً جوانان گام موفقیت آمیز دیگری از سوی حزب کمونیست دانمارک در افشای سیاست های سرمایه داری و بورژوازی به دست آوردهای مردم این کشور بود. این جشنواره در روز ۱۹ اوت با سخنرانی رفیق بتی بیارک کارسوا، صدر حزب به کار خود خاتمه داد.

ادامهٔ ضرورت درنگ ناپذیر پیوند ...

صحبت می‌کنیم که شش میلیون و چهارصد هزار کارگر ثبت شده داریم. اینها غیر از کسانی است که بیمه نشده‌اند و ما شمارشان را نمی‌دانیم. تا زمانی که اعتصاب قانونی نشود، امکان احقاق حقوق کارگران وجود نخواهد داشت. «محبوب هراسناک از عواقب و پیامدهای اعتراضات کارگری گفت: «اگر در این باره دیر اقدام بشود، ممکن است جنبش به مسایلی منتهی بشود که هرگز هیچ کس از آن خوشحال نمی‌شود.» محبوب در اشاره به تجمع کارگران جامکو و شادان پور در مقابل مجلس ضمن رد سیاسی بودن حرکت کارگران گفت: «کارگران برای تظلم خواهی به مجلس آمده بودند و عصبانی هم شدند و عصبانیتشان عواقبی به جا گذاشت. با وجود اینکه اعتصاب ممنوع بوده، متأسفانه در اثر برخوردهایی که داشته‌ایم، در پانزده سال گذشته بیش از ۱۲۰۰ نفر از ما [منظور کارگران و زحمتکشان است که مزورانه خود را جزو آنها انداخته] بازداشت شده‌اند.»

محبوب با ذکر جزئیات اقدامات انجام گرفته در گذشته برای قانونی کردن حق اعتصاب کارگران توسط او و مخالفت‌ها و عدم همکاری‌ها در این باره گفت: «امام سال ۵۸ حکم دادند که اعتصاب حرام است. ما نامه‌ای نوشتیم به مدرسه شهید مطهری که هم مدرسه‌ای قهقی بود و هم حقوقی که اسلام دربارهٔ اعتصاب چه می‌گوید آیا اعتصاب خلاف شرع است یا نه؟ ... آنها در تحقیقاتشان افرادی را از شورای قضایی وقت از حقوق دانها از قم و ... دعوت کردند و پس از یک سال طی جزوه‌ی بی‌باک دادند که نظراتشان در آن آمده بود ولی از ما خواستند آنرا منتشر نکنیم. ما در خانه کارگر آنچه که توانستیم در این زمینه انجام دادیم و زور و توان ما همینقدر بوده است، البته این توجیهی نیست بر آنچه که انجام نگرفته، ولی دیگران هم به ما کمک نمی‌کنند.» (به نقل از سایت اینترنتی ملی-مذهبی (ها))

صرفنظر از مسایل مطرح شده توسط محبوب، نکته قابل اهمیت اینکه این برای اولین بار است که بحث جنبش کارگری توسط یک تشکل دانشجویی و در داخل دانشگاه و در میان دانشجویان انجام می‌گیرد. این گام ارزنده‌ای است برای رشد و گسترش جنبش مردمی و پیوند مبارزات دانشجویی با کارگران و زحمتکشان. نکته مهم دیگر اینکه حساسیت این موضوع نزد کارگزاران رژیم ولایت فقیه در حدی است که آنها را بلافاصله وادار به عکس العمل کرد و در این باره امیر محبیبان در سرمقاله روز چهارشنبه ۲۴ مرداد در مورد دیدگاه‌های محبوب به جوایبگویی پرداخت. سرمقاله نویس رسالت، این نظر محبوب را که، حرکات کارگری صنفی هستند نه سیاسی و با تشریح و تقسیم نظرات در مورد تحلیل جنبش‌ها یا منابع اجتماعی فعالیت سیاسی، به دو بخش نظرات لیبرالی و نظریه جنبش اجتماعی جدید که ریشه در مارکسیسم دارد، با تأکید بر روی این مسأله که جنبش‌های کارگری حرکتی دگرگونی طلبانه دارند و همین پتانسیل باعث جذب نیروهای سیاسی به طرف آنها می‌شود، آورده است: «هر چند ممکن است یک جنبش اجتماعی هدفی سیاسی را دنبال نکند ولی جذابیت‌های سیاسی آن لاجرم آن را به حوزه سیاست می‌غلطاند. مدیریت سیاسی جامعه، بی‌گمان باید برای مدیریت تحولات اجتماعی برنامه کلان داشته باشند، چنانچه سیاست‌زدایی از جنبش اجتماعی هم در چارچوب همین برنامه کلان می‌گنجد.» محبیبان سپس با تشریح عواقب نظریه‌ای که خواهان «قانونی» کردن اعتصاب و یا به عبارت صحیح‌تر کانالیزه کردن آن می‌باشد، می‌نویسد: «اعتصاب فی‌نفسه در هیچ حرکت سیاسی یا اجتماعی هدف نیست بلکه ابزاری است برای اعمال فشار یا جلب توجه به مطالبات. از این رو، متوقف کردن زنجیره درخواست مطالبات تا حد اعتصاب و گمان این که با تسهیل در انجام آن، مشکلات کارگری حل خواهد شد، تا حدودی ساده‌انگارانه برخورد کردن با موضوع پیچیده‌ای چون یک جنبش اجتماعی است لذا از مسئولین نهادهای کارگری انتظار می‌رود زیربنای تئوریک خود را قوام و غنای بیشتری بخشند.»

با اینکه سخنان محبوب همانطور که محبیبان هم به آن اشاره کرده معطوف به مسایل و مشکلات کارگری بوده و بیشتر سخنرانی مزبور بر همین محور قرار داشته، اما محبیبان که به طور کاملاً مشهود اختیار از کف داده، در هراس از پیوند جنبش دانشجویی با جنبش کارگری به سفسطه‌گری پرداخته، می‌نویسد: «ایجاد پیوند میان دو جنبش اجتماعی قوی (جنبش کارگری و جنبش دانشجویی) از جهاتی مثبت و از جهاتی منفی است. مثبت است زیرا انتقال تجربیاتی چون «آفات رادیکالیسم» (افراطی) و آواتوریسم (ماجراجویی) قادر است به تعدیل و عقلانی سازی روند درخواست مطالبات این جنبش‌ها بینجامد. و منفی است از آن رو که در میان این دو جنبش، شکافی جدی ناشی از ماهیت روانشناسی و پایگاه

اجتماعی وجود دارد.» محبیبان در پایان نتیجه می‌گیرد که چون حرکت دانشجویی در ایران، فعلاً دوره آرامش پس از یک فعالیت کور را تجربه می‌کند، نمی‌تواند هیچ پیامی جز یاس برای جنبش کارگری داشته باشد.

درست چند روز بعد از تشکیل این سخنرانی که توسط انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر بر پا گردید، اوباش حزب الهی و مزدوران رژیم ولایت فقیه با حمله به دفتر انجمن ضمن ضرب و شتم شدید اعضای این انجمن خساراتی زیادی را به دفتر این انجمن وارد کردند و تمامی این اقدامات در حالی صورت گرفت که نگهبانی دانشگاه نیز هیچ اقدامی در جهت جلوگیری از ورود مهاجمین تحت کنترل رژیم ولایت فقیه نکردند. این تهاجم وحشیانه که دقیقاً در ارتباط با حرکات آگاهانه دانشجویان صورت گرفته نشان دهنده هراس روشنی است که ارتجاع از برقراری چنین پیوندی احساس می‌کند. اینک و به ویژه هم اکنون رشد و گسترش جنبش کارگری با تمامی ضعف‌ها و کمبودهایش بدون شک دل مشغولی‌های فزاینده حاکمان مرتجع را باعث گردیده و اختلاف نظرات موجود در این باره فقط بر سر به کنترل درآوردن آن یا سرکوب و به سکوت وادار کردن آن است. اصراً معنی دار فعالان سیاسی حکومتی که در ارتباط با مسایل کارگری فعالیت می‌کنند مبنی بر اینکه اعتراضات کارگری صنفی است و سیاسی نیست، بیش از پیش آتش زیر خاکستر این عرصه را نمایان می‌سازد. برپایی چنین میزگردی توسط فعالان دانشجویی نشانگر عمق بینش و پویایی دانشجویان در این ارتباط نیز می‌باشد. به همین دلیل تأکید بر اهمیت چنین حرکاتی بسترهای عینی پیوند این دو گردان مهم دانشجویی و کارگری را بیش از پیش مهیا می‌سازد. هر چند این مهم با توجه به برخوردهای خشن و سرکوبگرانه رژیم ولایت فقیه به آسانی مقدور نیست اما همانطور که محبیبان هم نیز به آن اعتراف کرده، پتانسیل بالای کارگران و دانشجویان قادر به عبور از این موانع است.

بحث اساسی در این زمینه از دو زاویه قابل تعمق و تأمل است. جنبش دانشجویی در سال‌های اخیر عمدتاً حول مسایل سیاسی سازماندهی شده است و توانسته است نقش موثری در افشاگری ارتجاع حاکم بر جای بگذرد، ولی این جنبش به دلیل ماهیت طبقاتی و محدودیت‌های مشخصی که با خود به همراه دارد، به تنهایی نمی‌تواند سازمانده مبارزات اجتماعی توده‌ها بر ضد ارتجاع و استبداد حاکم باشد. تجربه‌های تاریخی گوناگون نشان داده است که جنبش دانشجویی تنها در کنار جنبش کارگران و زحمتکشان و دیگر گردان‌های اجتماعی است که می‌تواند به عامل موثر و مهمی در مبارزات توده‌ها برای دست‌یابی به آزادی تبدیل شود. بر خلاف جنبش دانشجویی، جنبش کارگری در سال‌های اخیر و عمدتاً حول مسایل صنفی مبارزات خود را سازماندهی و پیش برده است. اگر چه این مبارزات گهگاه در مقاطع گوناگون به مسایل سیاسی نیز کشانده شده است، ولی ضعف اساسی جنبش کارگری در سال‌های اخیر را می‌توان عدم سازمان‌یافتگی و حرکت‌های پراکنده صنفی ارزیابی کرد. بر این اساس روشن است که باید تلاش وسیع‌تر و سازمان‌یافته‌تری را برای ارتقاء جنبش کارگری آغاز کرد و سپس تلاش کرد تا پیوند و نزدیکی هرچه وسیع‌تری بین گردان‌های اجتماعی مدافع آزادی پدید آورد. بدون این پیوند نزدیک و بدون مبارزه و وسیع سیاسی بر ضد رژیم استبدادی حاکم دورنمای تحولات روشن نبوده و نمی‌تواند باشد. جنبش کارگری و دانشجویی در چهار سال گذشته تجربیات مهم و ارزنده‌ی بی‌درمان جریانی مبارزه بر ضد ارتجاع حاکم انباشته است. از این تجربیات باید برای پیشبرد امر مبارزه سود جست. حرکت به سمت ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری، ایجاد امکاناتی، همچون نشریات و روزنامه‌های مستقل برای بردن آگاهی در میان طبقه کارگر و تلاش برای نزدیک کردن خواست‌های مبارزاتی گردان‌های اجتماعی از جمله مسایل مهمی است که توجه به آن در اوضاع بسیار حساس کنونی ضروری است. حزب توده ایران ضمن استقبال از این ابتکار دانشجویان دانشگاه امیرکبیر و محکوم کردن حمله اوباش و چاقو کش‌های مزدور مرتجعان حاکم به این دانشگاه همه نیروهای مترقی را به تشدید تلاش در زمینه ایجاد هماهنگی هرچه بیشتر در بین صفوف نیروهای اجتماعی مدافع آزادی و اصلاحات فرا می‌خواند.

شرایط وخیم در فلسطین

در پی افزایش خشونت و درگیری بین اسرائیل و فلسطین، نیروهای نظامی اسرائیل در یورش به مناطق فلسطینی نشین، دست به تخریب و اشغال این مناطق زدند. از جمله محل هایی که اشغال شده اند «اورینت هاوس» مقر فرماندهی سیاسی فلسطین در اورشلیم است که پس از معاهده اسلو، یکی از مظاهر «حاکمیت» فلسطین برای ایجاد کشوری مستقل بود.

پس از اشغال «اورینت هاوس»، وزیر امنیت اسرائیل، یوزی لاندائو، گفت که عملکرد این مقرر در تضاد با حاکمیت اسرائیل بر اورشلیم بود. شارون صراحتاً اعلام کرده است که «هیچگاه اورینت هاوس را پس نخواهد داد.»

تهاجم اخیر در واقع پیام دولت شارون به نیروهای فلسطینی بود که در آن اعلام می شود که اسرائیل آماده است تا با استفاده از نیروی نظامی، مناطقی را که پس از «معاهده اسلو» تحت کنترل فلسطین قرار گرفته است، پس بگیرد و مفاد این قرارداد را زیر پا بگذارد. این اعمال ضد انسانی و خشن همچنین نشانگر این واقعیت است که دولت دست راستی و نژاد پرست شارون هیچ حقوقی را برای مردم فلسطین به رسمیت نمی شناسد. حمله های اخیر برای تحت فشار قرار دادن هرچه بیشتر فلسطین برای پذیرش مفاد قرارداد صلح تحمیلی از طرف اسرائیل است. در این قرارداد داد، کرانه غربی به ۳ ناحیه تقسیم شده است که ده درصد آن در اختیار اسرائیل برای ایجاد مناطق مسکونی یهودی نشین و جاده سازی برای حرکت سریع ارتش، خواهد بود. مناطق «حارم» و «شریف» در اختیار اسرائیل قرار می گیرد و هیچ گونه شرایطی برای بازگشت آوران فلسطینی در نظر گرفته نشده است.

هفت سال عقب نشینی پیاپی در برابر خواست های دولت اسرائیل و زیر فشار های کشورهای غربی، باعث تغییر کلی در قرار داد اولیه صلحی شد که حزب ما در همان ابتدا به دلیل ابهامات اساسی آن را «یک گام به پیش و دو گام به پس» خواند. آنچه که در حال حاضر، از آن قرار داد باقی مانده مفادی است که بر اساس آن حاکمیت و قدرت تل آویو به مردم فلسطین تحمیل می شود. در تنظیم چنین قراردادی، آمریکا نقشی اساسی را ایفا کرده و جالب اینکه در خشونت های اخیر نیز دولت بوش با پشتیبانی کامل از اسرائیل، دولت فلسطین را عامل بروز خشونت ها خواند. با عقب نشینی هایی که، گام به گام، طی هفت سال گذشته صورت گرفته است، در حال حاضر شرایطی مشابه قبل از قرار داد اسلو در منطقه بوجود آمده است. منطقه ای پر تشنج و بی ثبات که زندگی مردم را در خطری دائمی قرار داده است و شعله های جنگی تمام عیار منطقه را تهدید می کند.

تا زمانی که سیاست های فعلی محافل حاکمه اسرائیل ادامه داشته باشند، آمیدی به صلح و پایان درگیری ها و خشونت ها نیست و تا زمانیکه دولت دست راستی شارون در اسرائیل بر سر قدرت است و چنین قرار دادهای تحمیلی وجود دارند، این منطقه در تشنج دائم خواهد بود.

بررسی رویدادهای جهان

زیمبابوه و تلاش برای اصلاحات ارضی

بدنبال اقدام دولت زیمبابوه برای انجام اصلاحات ارضی، وزیر کشاورزی این کشور، در مصاحبه بی، به زمینداران سفید پوست اعلام کرد تا هرچه سریعتر زمین های خود را تحویل کشاورزان سیاه پوست بدهند که نیازمند این زمین ها هستند. بر اساس گزارش های دولتی قرار است تا طی ده روز آینده تقسیم زمین در میان کشاورزان صورت بگیرد.

اما تلاش دولت برای تقسیم اراضی بین کشاورزان سیاه پوست، با مخالفت و مقاومت زمینداران سفید پوست روبه رو شده است و در این میان کشور های غربی، بویژه انگلستان و آمریکا، به اقدامات دولت زیمبابوه اعتراض کرده و تهدید به تحریم کرده اند. نشانه های جدی وجود دارد که انگلستان که هنوز نتوانسته است مسئله استقلال زیمبابوه در سال ۱۹۸۱ را هضم کند، برای باز پس گرداندن موقعیت گذشته به فکر ایجاد بحران های دامنه داری در این کشور است. در پی تلاش برای باز داشتن دولت زیمبابوه از اجرای برنامه اصلاحات، دولت انگلستان اعلام کرده بود که در صورت انصراف دولت از انجام اصلاحات، حاضر است تا به این کشور کمک های مالی بدهد. اما دولت زیمبابوه این پیشنهاد را رد کرده و اعلام کرده است که برنامه اصلاحات به هر قیمت که شده انجام خواهد پذیرفت. کشورهای آفریقای جنوبی و نیجریه ضمن رد سیاست تحریم، ارائه شده از طرف آمریکا، و محکوم کردن آن پشتیبانی خود را از زیمبابوه اعلام کردند.

در حال حاضر قریب ۵۰۰۰ زمیندار سفید پوست، بیش از ۹۰ درصد از زمین های کشاورزی را در اختیار دارند و اعلام کرده اند که حاضر نیستند این زمین ها را پس بدهند. در این میان، دخالت های آمریکا و انگلستان باعث افزایش درگیری و خشونت در زیمبابوه شده است.

مقدونیه و دخالت های امپریالیسم

هفته گذشته نیروهای ناتو به بهانه پایان دادن به درگیری های بین ارتش مقدونیه و اقلیت آلبانی تبار وارد این کشور شدند. در حال حاضر شرایط موجود در کشورهای بالکان به شدت بغرنج است و راه حل ساده ای را برای آن نمی توان یافت، اما این نیز مسلم است که دخالت در مسایل این منطقه بدون در نظر گرفتن شرایط موجود و بدون دور اندیشی، تنها می تواند مسایل را پیچیده تر کند و آنچه که اوضاع را پیچیده تر و متشنج تر کرده است برخورد های دو گانه دولت آمریکا است.

طبق اسنادی که بوسیله «مایکل چاسودسکی»، پروفیسور دانشگاه تورنتو، کانادا، ارائه شده، چگونگی سیاست های دولت بوش برای مسلح کردن هردو طرف درگیر، دولت مقدونیه و شورشیان آلبانی تبار، تشریح گردیده است. پروفیسور چاسودسکی، بر این نظر است که این اقدام ها در رابطه با سیاست آمریکا برای بدست آوردن سهم و نفوذ بیشتر در منطقه است که در واقع در برگیرنده و تامین کننده منافع صاحبان آمریکایی شرکت های فراملیتی است. در این میان او به نقش شرکت خصوصی MPRI، که شرکتی خصوصی برای گسترش و تحقیق در مورد تسلیحات است و با پنتاگون قرارداد دارد، اشاره می کند. او همچنین با این مسله نیز اشاره می کند که این شرکت روابط بسیار نزدیکی با کالین پاول، وزیر خارجه آمریکا، دارند. او در ادامه می گوید: «آنها (MPRI) روابط بسیار نزدیکی با شرکت «هالی برتون انرژی» و شرکت تابع آن «براون و روت» دارد که متعلق به معاون رییس جمهور، «دیک چینی» است.»

«براون و روت» یک شرکت خدمات نفتی است که منافع و علائقی در بالکان و کلمبیا دارد. با چنین اوضاعی نباید تصور شود که حضور نیروهای ناتو، عملیاتی برای «حفظ صلح» است و به طور یقین نمی توان سیاست های دولت بوش را، پس از این همه اقدام های جنگ افروزان در سراسر جهان، سیاستی برای حفظ صلح خواند.

اعتصاب عمومی در آرژانتین

بحران اقتصادی و مالی همه جانبه آرژانتین همه عرصه های زندگی در کشور را تحت تاثیر قرار داده است. آثار سیاست های نولیبرالیستی سالیان اخیر و از جمله قروض خارجی که نزدیک به صد میلیارد دلار تخمین زده می شود، اقتصاد کشور را به زانو در آورده است. در هفته های اخیر کارگران و کارمندان دولتی آرژانتین در اعتراض به سیاست های جدید دولت برای کاهش خدمات عمومی و کاهش دستمزد های دولتی و بودجه بازنشستگان،

مکزیک ، معاهده «نفتا» و جهانی شدن

همچنین در گزارش قید گردیده با عضویت مکزیک در «نفتا» و رعایت موازین آن، اقتصاد این کشور به معنی واقعی در سراسر سقوط قرار گرفته است. جمع کل بدهی های خارجی مکزیک فقط در سال ۲۰۰۰ میلادی به مرز ۱۶۳ میلیارد دلار رسید. در حالی که قبل از عضویت در «نفتا»، رقم بدهی های آن ۸۱/۵ میلیارد دلار بود. اینست معجزه امتیازات «نفتا» و برنامه جلب سرمایه خارجی برای کشورهای در حال رشد!

از نکات فوق العاده پر اهمیت گزارش مذکور، توجه به روند تشدید وابستگی مکزیک به ایالات متحده آمریکا است. عضویت مکزیک در «نفتا»، وابستگی شدید به آمریکا را در پی داشته است. در حال حاضر ۷۴ درصد واردات مکزیک از آمریکا است در حالیکه صادرات این کشور به آمریکا ۸۹ درصد نسبت به سال های قبل از امضاء قرارداد «نفتا» افت پیدا کرده است. تا دهه ۸۰ میلادی مکزیک، برنج، سیب زمینی و کتان تولید و بویژه به آمریکا صادر می کرد، اما اکنون با کمال تأسف باید گفت مکزیک این محصولات را از آمریکا و کانادا وارد می کند.

علاوه بر اینها، سرمایه گذاری خارجی نه تنها معضل بیکاری را حل نکرده است، بلکه تعداد بیکاران افزایش یافته است. آمار رسمی از بیش از ۶ میلیون بیکار حکایت دارد. از آغاز فعالیت مکزیک در چارچوب «نفتا» تا به امروز قدرت خرید حقوق بگیران مکزیکی ۴۸ درصد سقوط کرده است. سقوط سطح زندگی و سطح دستمزدهای کارگران و کارمندان از پیامدهای مستقیم قرار داد «نفتا» و سرمایه گذاری خارجی در مکزیک است.

در پایان باید با رئیس مرکز بررسی های اقتصادی جهان در هاوانا اسوالد مارتینز هم صدا شد که تأکید می کند: «نمونه مکزیک باید درس عبرتی برای همه کشورهای آمریکای لاتین و مرکزی باشد.»

ادامه رویدادهای جهان

دست به یک اعتصاب سراسری زدند. بزرگترین فدراسیون کارگران خدمات عمومی، کنفدراسیون کارگری آرژانتین این اعتصاب را آغاز کرد که بسیاری از کارگران بیکار و بخش های دیگر کارمندی و کارگری به آن پیوستند. رییس کنفدراسیون کارگران و کارمندان آموزشی در این مورد گفت: «ما همه شرایطی مشابه داریم... مردم دچار محرومیت، بیچارگی و فقر شده اند. هیچ کس بی نصیب نمانده است.»

در حال حاضر آمار رسمی بیکاری در آرژانتین ۱۶/۴ درصد است و بیش از ۷۵ درصد مردم در فقر بسر می برند. دولت در طرح جدید خود قرار است حدود ۱۳ درصد از بودجه خدمات عمومی را کاهش دهد و در برخی بخش ها مواجه با کاستن حقوق کارمندان و بودجه بازنشستگی است.

رهبان کشورهای قاره آمریکا، در اوایل بهار سال جاری خورشیدی، در استان کبک کانادا گرد هم آمدند و در باره چگونگی روابط اقتصادی تجاری میان آمریکای لاتین و مرکزی با ایالات متحده و کانادا در چارچوب روند جهانی شدن به بحث و مذاکره پرداخته و تصمیمات مهمی را اتخاذ کردند، که مهمترین آن در باره بسط و گسترش معاهده «نفتا» به سراسر قاره آمریکا بود.

در حال حاضر «نفتا» (موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی) فقط شامل سه کشور ایالات متحده، کانادا و مکزیک می شود. طبق مذاکرات انجام شده، در گردهمایی کبک، معاهده جدید تحت عنوان «فتا» (موافقتنامه تجارت آزاد قاره آمریکا) بر پایه برنامه بی مدون در سراسر آمریکای لاتین و مرکزی بسط خواهد یافت.

در ارتباط با نقش مکزیک در «نفتا» و نتایجی که برای این کشور به بار آورده است، محافل سرمایه داری و ارگانهای تبلیغاتی آنها یا سکوت اختیار کرده و یا به وارونه جلوه دادن حقایق می پردازند. بطور مثال نشریه اکونومیست چاپ لندن، و از زمره ارگانهای تبلیغاتی سرمایه جهانی، در یکی از گزارشات خود، پیرامون پیامدهای معاهده «نفتا» برای مکزیک چنین نوشته بود: «در سال های اخیر، مکزیک از اقتصادی پویا برخوردار شده و رشد و شکوفائی اقتصادی آن، در کنار تجارب غنی و پر ارزش همکاری با ایالات متحده و کانادا، این کشور را به نمونه ای موفق در آمریکای لاتین مبدل ساخته است.»

درست بر خلاف اینگونه تبلیغات مبالغه آمیز و سراسر دروغ، کلیه بررسی های اقتصادی نشان می دهد، عضویت مکزیک در «نفتا»، ثمرات بسیار ناگوار و شوم برای این کشور به همراه داشته است و بنیه تولیدی و قدرت مالی آن را به نحوی چشمگیر تضعیف کرده و وابستگی این کشور به امپریالیسم، به ویژه آمریکا را تشدید کرده است. در این باره گزارش اقتصاد دان برجسته کوبا، اسوالد مارتینز، رئیس مرکز بررسی های اقتصادی جهان در هاوانا، بسیاری از حقایق را برخلاف عوام فریبی های تبلیغاتی امپریالیسم روشن می کند.

در گزارش مارتینز با اشاره به ماهیت استعماری معاهده نفتا از جمله تأکید می گردد: «پیش از رواج و یورش نولیبرالیسم و عقد قرارداد «نفتا» و مشارکت مکزیک در آن، میانگین نرخ رشد سالیانه این کشور ۶/۶ درصد بود، اما در دهه ۹۰ میلادی با آغاز یورش نولیبرالیسم و امضاء «نفتا»، میانگین این رشد به زیر ۳/۱۸ درصد تنزل یافته است.» این آمار به شکل بارزی نتایج تلخ عضویت مکزیک در «نفتا» را آشکار می سازد! آیا می توان تنزل میانگین رشد سالانه را رشد و شکوفائی اقتصادی نامید؟ یکی از مواردی که سرمایه جهانی بویژه ایالات متحده در باره آن تبلیغات گسترده ای می کند و در چارچوب معاهده «نفتا» نیز از اصول اساسی به شماره می آید، به اصطلاح امتیازات و مزایائی می باشد که سرمایه گذاری خارجی برای کشورهای در حال رشد در نظر گرفته است.

گزارش منتشره توسط مرکز بررسی های اقتصادی جهانی در هاوانا در این باره یادآور می شود: «در سال های ۲۰۰۰-۱۹۹۸ میلادی، حجم سرمایه گذاری در مکزیک بالغ بر ۳۶ میلیارد دلار بود. طی همین سال ها، کسری موازنه پرداخت این کشور ۴۸ میلیارد دلار بوده است، علت اصلی این کسری موازنه، ناشی از ویژگی سرمایه گذاری خارجی در مکزیک است، یعنی اینکه، سرمایه گذاران حق دارند، سود حاصل و حتی اصل سرمایه خود را به خارج از مکزیک انتقال دهند. شرکتهای خارجی و عمدتاً آمریکائی سود سرشار خود را بطور مرتب از این کشور خارج می کنند.»

آدرس ها: لفظاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>
4. E-mail:mardom@tudehpartyiran.org

Nameh Mardom-NO 616
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

28 August 2001

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک